

پایه :	۵	موضوع :	فقہ ۴
تاریخ :	۹۲/۰۳/۱۱	ساعت :	۱۸

## پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: لمعه، از کتاب نکاح، الفصل الثانی فی العقد تا پایان کتاب النکاح

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره راره نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## سؤالات تستی:

۱. یصح العقد الدائم من غیر ذکر المهر و هو المعبر عنه بـ ...  
 ا. تفویض المهر  ب. تفویض البضع  ج. مهر المتعة  د. مهر السنة  ۲۶۸/۳
۲. عده وفات برای زن حرّای که متعه شده و حامله است چه مقدار می‌باشد؟  
 ا. چهار ماه و ده روز  ب. وضع حمل  ج. اُبعد الاجلین  د. دو ماه و پنج روز یا وضع حمل  ۲۴۷/۳
۳. لو أسلم زوج الكتابية دونها ...  
 ا. النکاح باق بحاله  ب. بطل النکاح ان كان النکاح دائماً  ج. بطل النکاح ان كان الاسلام قبل الدخول  د. بطل النکاح  ۲۲۲/۳
۴. کدام گزینه صحیح نیست؟  
 ا. لاتحرم الزانية على الزانى  ب. لاتحرم المزنى بها على الزانى ألاً ان تكون ذات بعل  ج. لاتحرم المزنى بها على الزانى اذا كانت فى العدة الرجعية  د. من اوقب غلاماً حرمت على الموقب ام الموطوء  ۲۰۸ - ۲۱۰/۳

## سؤالات تشریحی:

\* یصح اشتراط الخيار فى الصّدق فان فسّخه ذو الخيار ثبت مهر المثل مع الدخول. ۱۶۶/۳

۱. عبارت را توضیح دهید.

هر کدام از زوجین می‌توانند شرط کنند که خیار فسخ در مهریه داشته باشد و بتواند - در صورت معینی - مهری را که در عقد تعیین کرده‌اند فسخ کند. در این صورت اگر کسی که دارای خیار است، مهر را فسخ کرد و دخول هم انجام شده بود، مهر المثل برای آن زن ثابت می‌شود.

\* لا یزوج الولی (الصغيرة) بدون مهر المثل فتتخیر بعد الكمال لكن ان وقع العقد بدون مهر المثل على خلاف المصلحة تخیرت فى المهر و فى تخیرها فى اصل العقد قولان التخییر و عدمه و قيل ليس لها مطلقاً لأنّ ما دون مهر المثل اولی من العفو و هو جائز للذی بيده عقدة النکاح و اذا لم يكن لها خيار فى المهر ففى العقد اولی. ۱۷۴/۳ - ۱۷۳

۲. نظریه مطرح شده در «قيل» و دليل آن را توضیح دهید.

این نظریه می‌خواهد بگوید زنی که صغیره بوده و به کمتر از مهر المثل به وسیله ولی خود، به ازدواج کسی در آمده بعد از کمال حق فسخ ندارد نه فسخ مهر و نه فسخ اصل عقد را. زیرا عفو کردن مهر، اسقاط مقداری از مهر است بعد از ثبوت مهر، اما کمتر از مهر المثل قرار دادن به معنای اسقاط بعضی از مهر است از همان ابتدا و قبل از ثبوت مهر و چون ولی دختر می‌تواند مقداری از مهر را عفو کند به طریق اولی می‌تواند دختر را به کمتر از مهر المثل شوهر دهد و وقتی دختر، در فسخ مهر، خیاری نداشت قطعاً در اصل عقد هم خیار فسخ ندارد.

\* إن تقدم عقد العمة (على عقد بنت الاخ) توقف العقد الثاني على اذنهما فإن بادر بدونه ففى بطلانه او وقوفه على رضاها فان فسخته بطل او تخييرها فيه و فى عقدها اوجه. ١٩٧/٣  
٣. صورت مسأله و احتمالات مطرح شده را توضيح دهيد.

در صورتی که شخص، ابتدا با زنی ازدواج کند و بعد بخواهد با برادرزاده‌ی وی به عنوان همسر دوم ازدواج نماید، عقد دومش متوقف است بر اجازه‌ی همسر اول که عمه‌ی این زن می‌شود. اما اگر مرد بدون اجازه‌ی همسر اول، با برادرزاده‌ی او ازدواج کند سه نظریه مطرح شده: ١. عقد دوم باطل است ٢. صحت عقد دوم متوقف بر رضایت همسر اول است و اگر همسر اول عقد دوم را فسخ کند باطل می‌شود ٣. زن اول مخیر است که ازدواج مزبور را فسخ کند یا ازدواج خودش را.

\* اما المطلقة تسعاً للعدة ینکحها رجلان فانها تحرم ابدأ. ٢١٦/٣  
٤. مراد از «المطلقة تسعاً للعدة» و قید «ینکحها رجلان» چیست؟

المطلقة: زنی است که شوهرش نه بار او را طلاق عدتی داده است به این نحو که یک بار او را طلاق دهد با شرایطش سپس در حال عده رجوع کند و نزدیکی نماید تا نه مرتبه.  
ینکحها: در هر سه بار که شوهر، همسرش را طلاق می‌دهد باید یک مرد به عنوان محلل با او ازدواج کرده و سپس او را طلاق دهد که در نتیجه تا به نه طلاق برسد دو مرد دیگر با او ازدواج کرده‌اند.

٥. مراد از اصطلاحات ذیل را بنویسد.

أ. التعریض بالعقد للمعدة الرجعية ٢٣٠/٣

ج. یعنی به زنی که شوهرش او را طلاق رجعی داده و در عده به سر می‌برد کنایتاً پیشنهاد ازدواج دهد.

ب. الخطبة بعد اجابة الغير ٢٣١/٣

ج. یعنی خواستگاری کردن از زنی که به شخص دیگری برای ازدواج، جواب مثبت داده است.

ج. نکاح الشغار ٢٣٣/٣ ج. ان يزوج كل من الوليين الاخر على ان يكون بضع كل واحدة مهراً للاخرى.

د. الكفاءة(فى النكاح) ٢٢٦/٣ ج. کفو بودن زن و شوهر در اسلام و ایمان.

٦. حکم مهر در این موارد چیست؟ توضیح دهید. ٢٧٩/٣

أ. لو اصدقها تعليم صناعة ثم طلقها قبل الدخول و قبل التعليم

ب. لو اصدقها تعليم صناعة و علمها الصنعة ثم طلقها قبل الدخول

ج. لو اعتاضت الزوجة عن المهر بدون المهر ثم طلقها قبل الدخول

ج. كان لها نصف أجرة التعليم.

ج. رجع الرجل بنصف الاجرة.

ج. رجع الرجل بنصف المسمى (لا بنصف العوض).

\* لو اختلف الزوجان في قدر المهر قدّم قول الزوج لاصالة البرائة من الزائد على ما يعترف به و احتمال العلامة تقديم قول من يدعى مهر المثل عملاً بالظاهر من عدم العقد على ما دونه و أنّه الاصل في عوض الوطاء المجرد عنه كالشبهة.

۲۸۴/۳

۷. أ. دليل بر تقديم قول زوج در نزاع چیست؟ ب. قول علامه و ادله ايشان را توضیح دهید.

أ. به دليل اين که وی ادعای مهر کمتر دارد و اصل هم برائت ذمه او از مقدار بیشتر از ادعای خودش می باشد که توسط زوجه ادعا شده.

ب. قول علامه: بین زوج و زوجه، سخن هر کدام که ادعای مهر المثل را دارد، مقدم می شود به دو دليل: ۱. ظاهر حال اقتضا می کند که مهر، کمتر از مهر المثل نباشد و سخن کسی که ادعای مهر المثل دارد، موافق با ظاهر است ۲. اگر وطی بدون مهر انجام شود اصل آن است که عوض آن، مهر المثل گرفته شود، پس مهر المثل، اصل در هر نزدیکی بدون مهر است.

۲۹۹/۳

۸. أ. مراد از «قسم»، «نشوز» و «شفاق» چیست؟ ب. در چه صورت های حق «قسم» ساقط می شود؟

أ. قسم: حق و نصیبی که زن نسبت به هم خوابی با شوهر دارد.

نشوز: ارتفاع احد الزوجين عن طاعة الآخر

شفاق: خروج كل من الزوجين عن طاعته (و بالنسبة الى الحقوق التي يجب عليه)

ب. سقوط حق قسم: به وسیله نشوز زن و سفر شوهر است.

۹. حق «حضانة» چیست و حضانة طفل با چه کسی می باشد؟ ۳۲۷-۳۲۸/۳

حضانة یعنی ولایت بر طفل از جهت تربیت و سرپرستی او و آنچه مربوط به مصالح وی می باشد. در زمان شیرخوارگی، حق حضانة با مادر است و بعد از شیر خوارگی در پسر، پدر تا زمان بلوغ حق حضانة دارد و در دختر، مادر تا هفت سالگی و بعد از هفت سالگی پدر حق حضانة دارد.